

برنامه هسته‌ای ایران و کابینه راست افراطی در اسرائیل، دو کلان مسأله اصلی جو بایدن در منطقه است

سیاست خارجی ۲۰۲۳ امریکادر خاورمیانه

***گروه سیاست /** جو بایدن، رئیس‌جمهور ایالات متحده در دو سال اول ریاست جمهوری خود بسیار خوش‌شانس بوده است که از درگیری مداوم در خاورمیانه اجتناب کرده، جایی که اغلب ایده‌های سیاست خارجی ایالات متحده چه خوب و چه بد، در حال نابودی است. هرچند ممکن است بایدن در سال ۲۰۲۳ و پس از آن از خاورمیانه دوری کند. اولویت‌های اصلی دولت بایدن در سیاست خارجی، جنگ روسیه و اوکراین و قدرت در حال رشد چین است. با این حال، بایدن بزودی با قدرت‌های منطقه‌ای کوچک‌تر و در عین حال مصمم‌تر که مشتاق پیشبرد منافع خود هستند ولی تمایلی به اجرای استراتژی ایالات متحده ندارند، روبه‌رو خواهد شود. با وجود پنج کشور سوریه، عراق، لبنان، یمن و لیبی جهان عرب منبع بی‌ثباتی باقی خواهد ماند. البته به استثنای کشورهای ثروتمند خلیج فارس (عربستان سعودی و امارات متحده عربی) که به‌دنبال استقلال بیشتر از واشنگتن هستند و در عین حال اصرار بر حمایت ایالات متحده از آنها دارند. اما در واقع این دو قدرت غیر عربی، ایران و اسرائیل که یکی بزرگ‌ترین دشمن منطقه‌ای ایالات متحده و دیگری نزدیک‌ترین دوست منطقه‌ای آن هستند که ممکن است دستور کار دو سال آینده را تعیین کنند و پیامدهای آن بویژه برای امریکا مطلوب نخواهد بود.*

■ اسرائیل

با بازگشت بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل به قدرت، دولت بایدن اکنون با افراطی‌ترین کابینه در تاریخ اسرائیل روبه‌رو شده است، کابینه ای که احتمالاً باعث افزایش جدی تنش‌ها بر سر مسأله فلسطین و برنامه هسته‌ای ایران خواهد شد. این ائتلاف (ائتلاف کابینه نتانیاهو) مصمم است تا سیستم دموکراتیک اسرائیل را تغییر و جامعه را در امتداد خطوط انحصارگرایانه یهودی تغییر دهد، با شهروندان عرب اسرائیل تنش ایجاد کند و در نهایت یک کشور فلسطینی با تنش زیاد بخصوص در غزه و کرانه باختری ایجاد شود. اینکه وضعیت در کرانه باختری چقدر بد می‌شود ممکن است به میزان نفوذ نتانیاهو بر شرکای ائتلافی خود مرتبط باشد که شدت به آن نیاز دارد تا قانونی را تصویب کند که رویه قضایی را در این رژیم تغییر دهد. نتانیاهو برای خفه یا منحرف کردن شدیدترین سیاست‌های راست افراطی هر کاری که از دستش برمی‌آید انجام می‌دهد، اما به سختی می‌توان دید که چگونه می‌تواند آنها را کاملاً کنترل کند و سخت‌تر از آن آینده رژیم مبهم است.

ایتامار بن گویر که اکنون وزیر امنیت ملی شده است بر کرسی نشسته که به‌دنبال ایجاد هرج و مرج در اسرائیل است. وی ۲۰۰۰ نیروی اضافی را که از نیروهای دفاعی اسرائیل به پلیس اضافه شده است در دست خواهد داشت. نیروی پلیس ملی اسرائیل او آزاد خواهد بود تا قوانین

نشنال اینترست: خلیج فارس جایگاه مهمی در تغییرات جاری

در نظام بین الملل خواهد داشت

بازی بزرگ در غرب آسیا

***گروه سیاست/** شی جین پینگ، رئیس‌جمهور چین در جریان سفر خود به عربستان سعودی در اوایل ماه دسامبر ۲۰۲۲ در نشست افتتاحیه شورای همکاری خلیج فارس و چین شرکت کرد. این نشست بر بهبود روابط چین و شورای همکاری خلیج فارس و ایجاد روابط امنیتی بین طرفین متمرکز بود. شی در سخنرانی خود در آن نشست از دو طرف خواست تا «شریک طبیعی» برای همکاری باشند و پنج حوزه اصلی همکاری را پیشنهاد کرد: انرژی، مالی و سرمایه‌گذاری، نوآوری و فناوری‌های جدید، هوا فضا و زبان و فرهنگ. با وجود این، نگاهی به این تعامل نشان می‌دهد که نقطه کانونی هر مشارکت کجاست: انرژی، فناوری و تجارت. برای پادشاهی‌های خلیج فارس روابط تجاری با چین اقتصاد آنان را از نفت که بخش عمده درآمد ملی‌شان را تأمین می‌کند به سوی حرکت به سمت متنوع‌سازی منابع درآمدی سوق می‌دهد. مهم‌تر از آن اینکه در چهار چوب رقابت جهانی نشست برگزار شده هیچ تعهد مشخصی برای تعمیق مشارکت راهبردی چین و شورای همکاری خلیج فارس ارائه نکرد و هیچ مورد تازه‌ای در حوزه امنیت اعلام نشد.*

■ مشارکت راهبردی چین و شورای همکاری خلیج فارس

در خلیج فارس جایی که ایالات متحده برای دهه‌ها بازیگر خارجی غالب بوده، چین به‌دنبال ایجاد روابط سیاسی نزدیک با قدرت‌های نوظهور برای تضمین دسترسی به منابع انرژی حیاتی، گسترش دامنه تجاری خود و افزایش نفوذ استراتژیک خود بوده است. در حالی که چین معتقد است هژمونی ایالات متحده در خلیج فارس رو به افول می‌باشد رویکرد آن کشور برای دستیابی به موقعیت و نفوذ در جایگاه قدرتی بزرگ همراه با احتیاط و تردید بوده است. دامن زدن به بی‌ثباتی به نفع چین نیست چرا که آن کشور نه اراده و نه ظرفیت ایفای نقش امنیتی منطقه‌ای ایالات متحده را دارد. در عوض، چین با کشورهای کلیدی شورا ی همکاری خلیج فارس مشارکت‌های استراتژیک ایجاد کرده که حمایت از آن می‌تواند موقعیت آن کشور به‌عنوان یک قدرت بزرگ را تقویت کرده و به پکن اجازه دهد تا نفوذ خود را در عرصه‌های تازه نشان دهد.

این موضوع نشان می‌دهد که چین مصمم است از رویارویی با ایالات متحده اجتناب ورزیده و نمی‌خواهد در درگیری‌های متعدد منطقه غرق شود. پکن ترجیح می‌دهد موضع عدم مداخله را اتخاذ کند و این موضوع به آن کشور اجازه می‌دهد در اکثر مناقشات بین منطقه‌ای بیطرف باقی بماند و از فرصت‌های استراتژیک و اقتصادی استفاده کند. در نتیجه، پروژه‌های ابتکاری یک کمربند و جاده (BRI) در خلیج فارس در درجه اول ابزاری برای تقویت موقعیت پکن به‌عنوان یک قدرت بزرگ در منطقه است. برای موفقیت



که از او می‌خواهند از اقدامات اسرائیل علیه فلسطینیان انقلاذ کنند، گرفتار شود. متحدهان اروپایی او را تحت فشار قرار خواهند داد تا کند که نه تنها به او قدرت بی‌سابقه‌ای از خط فلسطینی‌ها) می‌بخشد، بلکه در واقع با ایجاد یک صلاحیت قضایی واحد برای اجرای قانون در اسرائیل، باعث افزایش تنش‌ها بین فلسطینی‌ها و صهیونیست‌ها خواهد شد. هر تعداد از اقدامات تحریک‌آمیز می‌تواند باعث ناآرامی‌های گسترده تری شود که برخی گروه‌های فلسطینی می‌توانند از آن بهره‌برداری کنند، کافی است به وضعیت چند هفته اخیر در سرزمین‌های اشغالی نگاه اجمالی صورت بگیرد، می‌توان افزایش تنش‌ها را مشاهده کرد. تشکیلات خودگردان فلسطین توانایی و شاید اراده کمک به کنترل فلسطینی‌ها را از دست داده است و این تنها تندروها را در میان اسرائیلی‌ها تشویق خواهد کرد تا در چرخه تداومی خشونت و تروریسم شرکت کنند.

این می‌تواند بحرانی دیگر به مشکلات بایدن بیفزاید. بسته به اینکه وضعیت چقدر بد می‌شود، بایدن احتمالاً با اقدامی در شورای امنیت سازمان ملل متحد روبه‌رو خواهد شد و او را مجبور به دفاع یا انتقاد از اسرائیل خواهد کرد و این به نوع وضعیت سیاسی بایدن نیست که بین جمهوری خواهان که خواستار حمایت او از اسرائیل هستند و تعداد فزاینده‌ای از مترقیان در حزب دموکرات

است. به نظر می‌رسد او بیش از هر زمان اگر بازگشت نتانیاهو تنش‌ها را در جبهه فلسطین افزایش دهد، ممکن است به افزایش فوریت موضوع هسته‌ای ایران نیز کمک کند. نتانیاهو تهدید هسته‌ای ایران را موضوع اصلی خود قرار داده است. به نظر می‌رسد او بیش از هر زمان



دیگری از پیشرفت هسته‌ای ایران احساس خطر می‌کند. نتانیاهو در اواخر دسامبر ۲۰۲۲ گفت: «من به یک دلیل اصلی به قدرت برگشتم، تا هر کاری که می‌توانم برای جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای انجام دهم.»

قطع نظر از اینکه گفته می‌شود دورنمای بازگشت به توافق هسته‌ای در این مقطع دور بعید به نظر می‌رسد، بایدن حتی ماه گذشته اعتراف کرد که این توافق مرده است، اگرچه نمی‌خواست آن را علنی بگوید. اسرائیل که بیشترین ضرر را از یک ایران مجهز به سلاح هسته‌ای دارد، به‌طور فزاینده‌ای در مورد ذخایر ایران عصبی می‌شود که باترغیب دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق امریکا برای کنار گذاشتن توافق هسته‌ای، به پیشرفت برنامه هستی ایران کمک کرد. از تابستان گذشته، بنی گانتز، وزیر دفاع وقت اسرائیل، ایال هولاتا، مشاور امنیت ملی وقت اسرائیل

■ سیاست بایدن در برابر ایران

اگر بازگشت نتانیاهو تنش‌ها را در جبهه فلسطین افزایش دهد، ممکن است به افزایش فوریت موضوع هسته‌ای ایران نیز کمک کند. نتانیاهو تهدید هسته‌ای ایران را موضوع اصلی خود قرار داده است. به نظر می‌رسد او بیش از هر زمان

دهد. ۲۵ اکتبر ۲۰۲۲، جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی ایالات متحده از برنامه‌های نظامی ایالات متحده مطلع و تمرین پیشنهادی برنامه‌ریزی شد. در حالی که گانتز آماده ترک سمت خود با روی کار آمدن یک دولت جدید بود، گفت که نیاز به مسدود کردن برنامه هسته‌ای ایران از نظر نظامی چیزی است که اکثر اسرائیلی‌ها با آن موافق هستند و این‌صورت نظر از وابستگی حزبی آنها است. مقامات امریکایی از پیش‌بینی اجتناب کرده‌اند، اما هیچ‌یک از کارشناسان درز اطلاعات اسرائیل درباره برنامه‌ریزی شدیدتر امریکا و اسرائیل برای نوعی حمله به ایران را رد نکرده‌اند.

فقط ایالات متحده این توانایی را دارد که سانتریفیوژهای عمیقاً مدفون شده را بدون درادن نیروها روی زمین برای ضربه زدن به ایران نابود کند. فقط ایالات متحده این هواپیماها را دارد که قادر به حمل سلاح‌های قابل نفوذ به لایه‌های زیرین هستند. پایگاه‌هایی در سمت غربی خلیج فارس و نیروی هوایی مستقر در دریا برای انجام یک عملیات هماهنگ هوایی



پایدار برای از بین بردن پدافند هوایی ایران عمل خواهد کرد.

برنامه‌هایی برای انجام این کار در دولت اوپاما ایجاد شد و بخوبی توسعه یافته است. البته اسرائیل می‌تواند با پرتاب موشک‌ها از زیردریایی‌های خود، بیوستن به ایالات متحده در حملات هوایی، اشتراک‌گذاری اطلاعات و انجام خرابکاری‌ها و ترورهایی که ممکن است پاسخ ایران را مختل کند، به امریکا کمک کند.

بنابراین، جهان در حال حاضر با ایران با انگیزه‌های قوی برای ادامه غنی‌سازی و اجتناب کرده‌اند، اما هیچ‌یک از کارشناسان شهرت بین‌المللی مواجه است که هزینه دیپلماتیک اقدام را برای مهاجم کاهش می‌دهد. دولت ایالات متحده با وجود روابط پرتنش با اسرائیل، حمایت خود را از عملیات ترکیبی علیه ایران کاملاً واضح اعلام کرده است.

البته باید پرسید که چقدر از اینها شبیه یک نمایش است. دست نگه داشتن ایالات متحده می‌تواند بیشتر در مورد اطمینان دادن به اسرائیل از حضور ایالات متحده باشد و در عین حال این پیام را منتقل کند که اسرائیل نمی‌تواند به تنهایی موفق



شود. به بیان ملایم، بایدن نباید انتظار خبرهای خوب زیادی از خاورمیانه در سال آینده داشته باشد. ظرفیت واشنگتن برای شکل دادن به رویدادها، چه رسد به کنترل آنها، به دو چالشی که او با آن مواجه است محدود می‌شود: چگونگی جلوگیری از انفجار بین اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها و نحوه ترمز گذاشتن بر برنامه هسته‌ای ایران گزینه‌های بایدن از بد به بدتر بیش می‌رود. می‌توان احساس کرد که هم در مورد

ایران و هم در مورد فلسطین، ایالات متحده بدون درک روشنی از اینکه دقیقاً چه باید بکند، در حال دست و پا زدن است. تغییر وضعیت بازدارندگی قاطعانه‌تر با تهدید به جنگ در صورتی که ایران بیش از حد پیش برود، ممکن است زمان ببرد، اما زمان در نهایت تمام می‌شود و امریکا باید تصمیم بگیرد از سویی دیگر حتی اگر بدترین شیوه‌های دولت جدید اسرائیل محقق نشود، مسأله نبرد فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها، صرفاً یک مسأله زمانی است و دیر یا زود محقق خواهد شد. به‌طور خلاصه، وضعیتِی که بایدن با آن مواجه است، احتمالاً بدتر هم خواهد شد.



از جمله کویت و بحرین هستند. هر دو کشور درهای خود را روی سرمایه‌گذاری و پروژه‌های ساختمانی چین باز کرده، اما از تبدیل روابط تجاری به روابط استراتژیک خودداری کرده‌اند. کویت و بحرین دارای محدودترین قابلیت‌های نظامی در میان کشورهای شورای همکاری هستند و حفاظت از ایالات متحده را برای امنیت خود حیاتی می‌دانند. در واقع، حدود ۱۳۵۰۰ نیروی امریکایی در کویت مستقر هستند. تنها آلمان، ژاپن و کره جنوبی میزبان نیروهای بیش‌تر ایالات متحده هستند. بحرین میزبان ناوگان پنجم نیروی دریایی ایالات متحده و فرماندهی مرکزی نیروی دریایی ایالات متحده است و در ائتلاف‌های نظامی به رهبری ایالات متحده شرکت می‌کند. هر دو کشور از افزایش تعامل با چین بسیار بیش‌تر از همسایگان‌شان چیزهایی برای از دست دادن خواهند داشت. با وجود آنکه رقابت قدرت‌های بزرگ استراتژی‌های مختلفی را که هر یک از کشورهای شورای همکاری در مورد چین دنبال می‌کنند آشکار ساخته است رویکردهای متفاوت آن کشورها در پیش‌بینی آینده روابط شورای همکاری خلیج فارس و چین را دشوار می‌سازد. در بحیوب رقابت قدرت‌های بزرگ، جنگ در اوکراین و تلاش برای کسب تسلط در عرصه اقتصادی - فناوری کشورهای شورای همکاری مجبور شده‌اند با احتیاط بین ایالات متحده، متحد استراتژیک بزرگ خود و چین شریک اقتصادی مهم‌شان حرکت کنند. استراتژی‌های مختلفی که هر کشور در رابطه با رقابت امریکا و چین دنبال می‌کند، در نهایت امنیت و ثبات منطقه را تحت تأثیر قرار داده و احتمالاً شورای همکاری خلیج فارس را تقسیم می‌کند. کشورهای حوزه خلیج فارس باید چهارچوب دیپلماتیکی برای رسیدگی به اختلافات سیاست خارجی خود ایجاد کرده و از تبدیل شدن منطقه به عرصه‌ای برای مبارزه بین واشنگتن و پکن جلوگیری کنند. اگر کشورهای حاشیه خلیج فارس نتوانند این کار را انجام دهند، ممکن است رقابت بین کشورهای همسایه و عواقب غیرقابل پیش‌بینی برای منطقه پدید آید.

” رقابت قدرت‌های بزرگ بین ایالات متحده و چین به نقاط اوج تازه‌ای رسیده و به مهم‌ترین پویایی در صحنه جهانی تبدیل شده و نظم بین‌المللی با گسترش آن شکل می‌یابد. این کشورها در میان یک واشنگتن که به‌طور فزاینده نگران شده و یک پکن نوظهور و خود را در انتخاب بین متحد استراتژیک اصلی و یک شریک اقتصادی مهم می‌بیند، با وجود این، آینده شراکت چین و شورای همکاری با آنچه قدرت‌های بزرگ می‌بینند، هدف این سیاست است. چین و شورای همکاری با آنچه قدرت‌های بزرگ می‌بینند، هدف این سیاست است. چین و شورای همکاری با آنچه قدرت‌های بزرگ می‌بینند، هدف این سیاست است. چین و شورای همکاری با آنچه قدرت‌های بزرگ می‌بینند، هدف این سیاست است.

■ بازی بزرگ در خلیج فارس

عربستان سعودی و امارات متحده عربی در حالی که مشارکت استراتژیک خود با ایالات متحده را حفظ می‌کنند با برقراری روابط با سایر قدرت‌ها به‌دنبال محافظت از خود در برابر تهدیدات و تغییر سریع موازنه قدرت هستند. هدف این سیاست مصون‌سازی استفاده از چین به‌عنوان منبع اضافی حمایت سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی و همچنین استفاده از روابط با پکن برای تحت فشار قرار دادن واشنگتن برای تعدیل سیاست است.

رقابت قدرت‌های بزرگ بین ایالات متحده و چین به نقاط اوج تازه‌ای رسیده و به مهم‌ترین پویایی در صحنه جهانی تبدیل شده است و نظم بین‌المللی با گسترش آن شکل می‌یابد. این کشورها

قدرت‌های بزرگ ندارند. پادشاهی‌های خلیج فارس در مورد تعهد آینده واشنگتن به منطقه تردید مشترکی دارند، اما نگرش آنان در مورد چین و رقابت قدرت‌های بزرگ به‌طور قابل توجهی متفاوت از یکدیگر است. این دیدگاه‌های متفاوت را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: دسته اول کشورهای با نگرش «پوشش ریسک» هستند که سعودی و امارات را شامل می‌شوند. هر دو کشور آشکارا در برابر تصمیم واشنگتن برای خروج از خلیج فارس سعی دارند از خود محافظت کنند. بنابراین، آن دو کشور یک عنصر مشارکت استراتژیک جامع را در تعامل خود با چین گنجانده‌اند. ریاض و ابوظبی فعالانه وجود این، این کشورها چشم‌انداز یکپارچه و منسجمی برای رویکرد منطقه‌ای به رقابت

و چین اکنون به‌عنوان جایگزین اصلی برای تجهیزات نظامی ضروری اقلمداد می‌شود که ایالات متحده از فروش آن به آن دو کشور خودداری می‌ورزد.

دسته دوم «کشورهای متعادل کننده» هستند که قطر و عمان را شامل می‌شوند. هر دو کشور با باز کردن زیرساخت‌های ملی و شبکه‌های دیجیتال خود بر سرمایه‌گذاران چینی روابط نزدیک‌تری با چین ایجاد کردند. با وجود این، آن دو کشور در مورد رقابت قدرت‌های بزرگ و حفظ روابط نزدیک نظامی‌شان با واشنگتن محتاط‌تر عمل کرده‌اند. قطر از طریق نقش حیاتی خود در خارج کردن نیروهای امریکایی از افغانستان در سال ۲۰۲۱ روابط خود را با ارتش ایالات متحده تعمیق بخشید و اخیراً به جایگاه یک متحد بزرگ غیر عضو در ناتو ارتقا یافته است. عمان مراقب بوده است تا تجهیزات نظامی چینی را خریداری نکند، برخلاف قطر که موشک‌های بالستیک از پکن خریداری کرد. مسقط در سال ۲۰۱۹ یک چهارچوب استراتژیک توافق‌نامه جدید با واشنگتن به امضا رساند که به نیروی دریایی ایالات متحده امکان دسترسی به بندر دمق در عمان را داد. دسته سوم «دولت‌های محتاط»